

# روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران	
شنبه ۱۶ مهر ۱۴۰۰   ۱۱ ربیع الاول ۱۴۴۴   ۸ اکتبر ۲۰۲۲ - شماره ۲۰۳۳ - سال هفتم	
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضرب کیفی ۶۷۴	
www.hamdelidaily.ir	news.paper.hamdelli@gmail.com
سردبیر: فضل‌الله یاری	تولید: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰
چاپ: ۰۲۱ - ۴۴۵۳۳۷۲۵	نشانی: تهران - میدان انقلاب - خیابان کارگر شمالی - کوچه مهر - پلاک ۶ - طبقه اول - واحد ۳
تلفکس: ۰۲۱۶۹۳۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۹۳۱۲۷۱	

## یادداشت

### ذهنیت ضدضابطه و جنگ روایت‌ها

بودن بگیرند، از دوخته شدن بر قامت پیش‌فرض‌های ذهنی ما اعتبار کسب می‌کنند. ذهنیت‌های ما، به‌عنوان اعضای یک جامعه استبدادزده که در صد و اندی سال اخیر در جستجوی آزادی همواره از دامن نفی وضعیت پیشین به دامن اثبات درستی وضعیت فعلی غلتیده‌ایم و پس از آن امید شدن، وضعیت سومی را در نفی وضعیت فعلی به‌عنوان ایده‌آل فرض کرده و در جستجوی آن روایت‌های ما در شبکه‌های اجتماعی، از نفی روایت یکی می‌کنند. در واقع سبک و صناعت زبانی و قالب‌های ابزاری در شعرهای پورصفری برای ابلاغ مفاهیم به کار می‌روند. در دفتر «قطار نگاتیو» که دربرگیرنده ۸۴ شعر سپید است، سبک و شکل در خدمت مفاهیم قرار گرفته اند. شعرهای پورصفری به قطاری می‌مانند که بندهای اشعار به کوبه‌هایی شباهت دارند که موجودات زندی در آن نشسته‌اند: «نگاتیو قطاری ست که در هر گوشه اش مسافران بی حرکت نشسته‌اند.»

پورصفری در این قطار ایستاده و به درون و به بیرون نگاه می‌کند. او هم به درخت می‌نگرد و هم به جنگل چشم می‌دوزد. جنگل با درخت ششک می‌گیرد: «اگرس تا کجا بر ما دویده/ ما تا کجا بر زاگرس/ نگاه کن بر بلوط‌های دامنه که مسار می‌پایند.../ نزدیک‌تر بیا با همان چشم‌هایی که دو بلوط وحشی‌اند/ مرا تا مرز خودسوزی یا خودت ببر/ مرا تا مرز دوبدن روی ابرهای چپق پدر بزرگ/ مرا تا مرز قشون مردان خان/ دختر عمومی ایلبانی من/ ای که چشم‌هایت دو سیاه چادرند.../ اوی که شعر/ خان‌ها در تفنگ/ از آغاز تا پایان از بازمانی زیمایشناختی هستی انسان و طبیعت فرو نمی‌ماند. او نخست به زاگرس می‌نگرد و به بلوط‌های دامنه و بعد به درخت و کوه و در ذهن اتفاق‌هایی که در کوه‌ها و دامنه‌ها



آرش رازانی

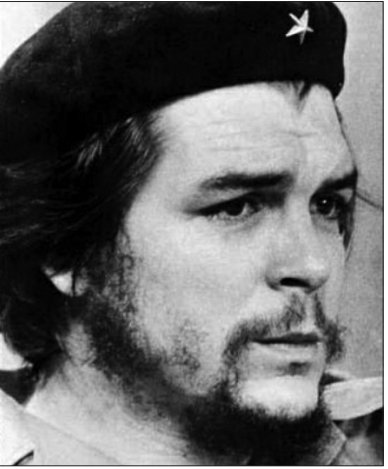
روزنامه‌نگار

این روزها و در متن التهابات اجتماعی کشور، شاهد تسلط همه‌جانبه رسانه بر افکار عمومی هستیم. رسانه‌های رسمی، رسانه‌های فرآگیر و شبکه‌های اجتماعی هر یک با تمام توان مشغول ساختن تصویر مطلوب خود از واقعیت و ارائه روایت‌های قابل پذیرش از آن هستند. صرف‌نظر از ویژگی‌های «روایت» و سازوکار تأثیرگذاری و باورپذیری آن، آنچه در این میان جلب نظر می‌کند «ذهنیت» روایتگران است. در رسانه‌های رسمی، روایتگران با لحاظ کردن اصول ابلاغ شده از جانب سیاستگذار در تعریف «درست و نادرست»، می‌کوشند روایت‌هایی بسازند که اولا ذره‌ای از چارچوب تعیین شده تخطی نکند و در ثانی باور گروه‌های وفادار تعریف شده را در کنال‌های از پیش تعیین شده هدایت کنند. این قبیل روایت‌ها، کاری به لزوم اقتناع سایر گروه‌ها ندارند و هر تردیدکننده‌ای را فریب خورده می‌دانند. رسانه‌های فرآگیر نیز در همین حال و هوا، اما با چند قید اضافه فعالیت می‌کنند. آن‌ها در مبنای «روایت» مشابه رسانه‌های رسمی عمل می‌کنند اما در عین حال سعی در حفظ وجهه «رسانه مستقل و آزاد» و جلب نظر و اعتماد مخاطبان تازه خود دارند. بدین ترتیب، در کنار روایت‌های مطابق با اصول حاکم بر رسانه، روایت‌های صادرشده از منابع غیرمسمو که در محتوا مشابهت‌هایی با روایت غالب همان رسانه دارند، نیز می‌توان از آن‌ها شنید. اما عرصه اصلی اطلاع‌رسانی این روزها در اختیار شبکه‌های اجتماعی، به مثابه «رسانه‌ی تعاملی» است. شبکه اجتماعی، رسانه‌ای است که اعضا روایت‌های خود را عرضه می‌کنند و شبکه این روایت‌ها را به سایر اعضا انتقال می‌دهد. نکته خاص این روایت‌ها، ذهنیت روایان است. هر کدام از ما، بر اساس ذهنیت‌های خود، واقعیت‌هایی که با آن‌ها روبرو می‌شویم و دستگاه‌های اجتماعی فردی‌مان، روایتی را از آنچه در شهر جاری است برای مخاطبان‌مان در شبکه‌های اجتماعی نقل می‌کنیم. این روایت‌ها اما بیش از آنکه اعتبار خود را از شخصی و عینی

## طاقچه تاریخ

روزی که انقلابی آرزوتنیبتی انقلاب کوبا را ارتش بولیوی کشت

### چه گوارا! از پزشکی تا مرگ در راه مردم



ارنستو «چه» گوارا، پزشک و انقلابی سوسیالیست آرژانتینی که در انقلاب کوبا مرد شماره ۲ به شمار آورده شده است و پس از پیروزی این انقلاب، وزیر صنایع کوبا شده بود هفتم اکتبر سال ۱۹۶۷ در زنجوورد با ارتش بولیوی دستگیر و همان روز با ریز بعد در اسارت کشته شد و دهم اکتبر عکس جسد او را به روزنامه‌ها دادند تا مرگ وی را ثابت کنند. قتل فوری او برای این بود که اگر زنده بودنش ثابت می‌شد، به علت کثرت هوادارانش در سراسر جهان، و مداخله دولت‌های کمونیست از جمله دولت مسکو، دیگر کشتن او امکان‌پذیر نبود. بعد برخی افسران ارشد بولیوی اعتراف کردند به خواست «سبا» چه گوارا به قتل رسید. وی به همراه شش تن از یارانش کشته شد. این گروه به بولیوی رفته بودند تا راه و رسم انقلاب کردن را به کشورشان و بومیان (سرخ‌پوستان) این کشور که از امکانات محروم بودند بیاموزند. «چه» هنگام قتل ۲۹ساله بود و دو سال پیش از آن، کوبا را ترک کرده بود تا مردم سایر کشورها را با انقلاب مسلحانه آشنا سازد، زیرا عقیده داشت که در جهان نبروهایی هستند که با همه امکانات خود مانع انجام هرگونه تحول از راه‌های مسالمت‌آمیزی شوند و بشر امروز بیش از این نمی‌تواند نابرابری و زورگویی و فساد دولتی را تحمل کند. او کسانی را که تنها به منافع خود و بستگان‌شان توجه دارند دشمنان رسیدن بشر به حقوق خود و در صدر آن تأمین برابری می‌دانست و می‌گفت که دولت‌ها در جهان در دست شماری نیستند و شیدای قدرتند و اطرافیان‌شان نیز مشتاق چاپلوس و ریزه‌خوار، بقایای جسد «چه» در دهه آخر سده بیستم میلادی به کوبا حمل و مدفون شد. در سی امین سالروز قتل «چه» پنجمین کنگره حزب کمونیست کوبا به نام او گشایش یافت و فیدل کاسترو ضمن نطق بسیار طولانی خود دکتر «چه» را یکی از بزرگ‌ترین قدامت‌یاران برابری مردم خواند که جانش را در راه طلوع‌ندایی از جامعه بشری و تأمین رفاه برابر مردم از دست داد. کاسترو «چه» را از بزرگ‌ترین دشمنان سلطه‌گری و نظام سرمایه‌داری خواند. به مناسبت انتقال بقایای جسد به کوبا، در اکتبر ۱۹۹۷ در این کشور هفته «چه» برگزار شده بود و مردم در دسته‌های بی‌پایان از برابر باقی‌مانده جسد او که سی سال در یک گور ناشخص در حاشیه یک جاده خاکی در یک نقطه دورافتاده در کشور بولیوی قرار داشت، گذشتند. تابوتش پس از انتقال به «سانتاکلارا» و قرارداده شدن در نقطه‌ای که در آنجا در جریان جنگ انقلاب کوبا بر

## یادداشت



فیض شریفی

منتقد و پژوهشگر ادبیات

نگاهی بر دفتر شعر «قطار نگاتیو» از علی پورصفری

### نزدیک‌تر بیا با همان چشم‌هایی که دو بلوط وحشی‌اند

افتاده مرور می‌کند و در یک چشم به‌هم‌زدن عین را به ذهن و جا را به گاه و آدم‌های ماجرا پیوند می‌زند: «دختر عمومی شهرتین من هنوز هم گونه‌های سرخ‌ت به سرخی شبتیشنی‌های چاله‌اند.../ به گل‌های دامت می‌رسم که روی دامنه زاگرس رویدهند/ و باد آن‌ها را جوری می‌رقصاند که انگار چرخش خان‌ها و گل‌ها آهسته می‌گویند/ من هم دوست دارم پسر عمو/ من هم، من، در این نوع اشعار، اصل فرم، اصلی است که از جهان اندامواره پیرامون اخذ شده است. شاعر در این شعر در همه دامنه زاگرس و اتفاقاتی که در آنجا رخ داده را در پایان در دامن معشوق خویش مجموع می‌کند. گوناگونی هنرها ناشی از تنوع ابزارهایی است که هنرمندان برای مقصودشان به کار می‌گیرند، چنان که تندیس‌ساز از سنگ و مرغ و آهنگ‌ساز از نت استفاده می‌کند، شاعرهم با کلمات ظرفی برای موضوعی تعبیه می‌کند. در واقع زبان ظریف ارائه عاطفه و تخلیل است: «تنهایی شاید طنابی باشد میان مرگ و زندگی/ و چهارپایه‌ای که سال‌ها سرپا ایستاده است/ عاقبت روزی خسته می‌شود و از پا می‌افتد.» شاعر به خدایی شباهت دارد که هستی را از هیچ می‌آفریند. از نگاه هگل شعر عالی‌ترین صورت هنر است؛ زیرا که بیش از هر هنر دیگر به اندیشه نزدیک است. بخشی از شعرهای پورصفری به این دلیل که آونگان میان زندگی و مرگ و تنهایی و تم اضطراب و فراق سرگردان است، کهنه نمی‌شوند. شاعر به خوبی توانسته مضمون‌های ماندگار را در شکل شاعرانه بریزد و قالب‌گیری کند: «جمجمه‌ام دیوار مرگ موتورسواری ست/ که هر بار کلاه کاسکت را روی سرش می‌گذارد/ می‌گوید ایسن بار آخر است.» ماتیو آرنولد در مقدمه‌ای که بر اشعار خود نوشت، ملال و مرگ‌اندیشی و دل‌دردی را که تسلیم و انفعال را تجویز می‌کنند و راه نجاتی را نمی‌نمایند، محکوم دانست. به عقیده آرنولد هدف شعر نمایش اعمال انسانی است. او بر این باور بود که نباید شاعر چگونگی بیان را بر موضوع مقدم بداند. پورصفری در اشعار خود

## موزه

### کشف جواهرات حیرت‌انگیز از مقبره ۱۳۰۰ساله

باستان‌شناسان در حین حفاری گورستانی واقع در شمال لیما، پایتخت پسر، یک مقبره باستانی به قدمت ۱۳۰۰سال که به دوره واری تعلق دارد را کشف کردند. این مقبره حاوی بقایای مردی با مقام بالا است که «ارباب هورمی» نامیده می‌شود. بقایای شش نفر دیگر نیز در این مقبره باستانی پیدا شده که برخی از آنها احتمالاً پس از اولین دفن، مجدد در جای دیگر خاک شده‌اند. بقایای مقبره باستانی پره، در میان آنهویی از جواهرات طلا و نقره، ابزار برنزی، چاقو، تبر، سید، منسوجات بافته شده، مواد خام برای سیدفروشی و اقالم چوبی و چرمی مدفون شده است. باستان‌شناسان معتقد هستند که با توجه به وجود این نوع اشیاء، افرادی نظیر صنعتگران ماهر و هم‌چنین اعضای نخبه‌واری در این مقبره دفن شده‌اند. می‌لوش گیزز، باستان‌شناس دانشگاه ورشو که رهبری این پروژه را برعهده دارد، در گفتگو با لایو ساینس گفت: «ما می‌توانیم این بخش از گورستان سلطنتی را «گالری صنعتگران نخبه» بنامیم. ما برای اولین بار، محل دفن نخبگان واری را پیدا کرده‌ایم که صنعتگران و هنرمندان خوبی نیز بوده‌اند.» دولت‌های پیش‌تر آخرین مقبره را طی ماه فوریه، در گورستان واری در نزدیکی شهر ساحلی مدرن هورمی، واقع در منطقه آنکش در حدود ۲۵۰کیلومتری شمال لیما کشف کردند. این مقبره باستانی واقع در پره، مقبره بزرگ‌تری است. محققان آنجا دهه ۴۰میلادی، در مورد این سازه اطلاعاتی را به‌دست آورده بودند، با این حال بسیاری فکر می‌کردند که توسط غارتگران، این قبرها از حقیقت‌های گیزز و پرزادکا در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ نشان داد که مقبره باستانی واری، گورستانی تقریباً دست‌نخورده است. حفاری بعدی مقبره ملکه‌های واری نیز نشان داد که این قلعه هرمی زمانی یک مقبره بزرگ متعلق به واری و محل عبادت اجداد در ساحل شمالی پره بوده است، منطقه‌ای که تحت کنترل اولین امپراتوری

آند قرار داشته است. گیزز گفت: «این تیم هم‌چنین بیش از ۱۳۰۰ شیء را که به عنوان هدایای قبر که در مقبره ملکه‌های واری دفن شده بودند را کشف کرده است که شامل اشیاء غنی ساخته شده از طلا، برنز، نقره، جواهرات گران‌بها، چوب، استخوان و سفید هستند.» گیزز بر این باور است که «ارباب هورمی» و سایر افرادی که در مقبره باستانی تازه کشف شده پرو دفن شده‌اند، احتمالاً اعضای نخبگان واری و صنعتگران بسیار ماهر بوده‌اند. او ادامه داد: «نار طلایی و نقره‌ای نزد آنها سپرده شده‌اند، این فرض را تأیید می‌کنند. مردان و زنانی که در قبرستان سلطنتی واقع در قلعه هرمی هورمی دفن شده بودند، مستقیماً با بالاترین سطح تولید صنایع دستی مرتبط بوده و بهترین کالاهای لوکس دوران خود را می‌ساختند.» او هم‌چنین عنوان کرد که علاوه بر گورستان نخبگان، قلعه هرمی هورمی مرکز اداری مهم امپراتوری واری بوده است. این مکان هم‌چنین محل تولید بهترین صنایع دستی به ویژه لباس‌های منحصربه‌فرد، زیورآلات فلزی و جواهرسازی به‌شمار می‌رود. جاستین جینینگز، باستان‌شناس موزه سلطنتی اوتاروی نیز به که در آخرین مطالعه شرکت نداشته، سایر مکان‌های واری در پره را کاوش کرده است. او با اینکه اکتشافات اخیر را دیدنی خوانده اما هشدار داده که فلسفه و کارکرد قلعه هرمی هورمی در دوران واری به خوبی درک نشده است. او احتمال داد که افراد دفن شده در آن محل، ممکن است صنعتگران نخبه نباشند.

## روزنامه‌نگاری

هر سروقدی که بگذرد در نظرم در هیأت او خیره بماند بصرم چون چشم ندارم که جوان گرم باز آخر کم از آن که در جوانان نگرم

## منتقد کتاب

**رکابی:** میگلردی که آن را به شکل در آورده‌اند. رامکا: بتنی است که برای نگه داشتن قالب‌های می‌ریزند.

**تفنگ هیلتی:** وسایلهای برای پرچ در ساختمان کاربرد دارد همراه با فشنگ مخصوص.

## مجازستان

● پسر ۲۰ساله اومه‌د بود سونوگرافی برای فروش (اهد) کلیه. موقع سونوگرافی‌اش از درون داشتم حرص می‌خوردم اما چیزی بروز نمی‌دادم. بهیو به سنگ توی کلیه‌ش پیدا شد که به احتمال زیاد روند فروش کلیه رو لغو می‌کنه. نمی‌دونستم برای سالم موندنش خوشحال باشم یا برای بی پول موندنش ناراحت!

● برای دیدن به سایت خارجی باید وی‌پی‌ان رو وصل کنی چون فیلتره. برای دیدن سایت داخلی باید وی‌پی‌ان رو قطع کنی چون با اون باز نمی‌شه. برای تجربه بهتر اینترنت باید وی‌پی‌ان رو وصل کنی. برای دانلود با سرعت بهتر باید قطعش کنی. وصل می‌کنی کنه. قطع می‌کنی هیچی نداری. تراژدی بی‌پایان.

● داشتم کارت‌مو از کیف پولم در می‌آوردم که خانم کناریم گفت: دیگه کیف پول تو این‌جوری تو محیط عمومی باز نکن. گفتم: چرا؟ گفت: چون کارت اهدا عضو تو دیدم. بعضیا که مشککل دارن ممکنه تعقیبت کنن و جوری صحنه تصادف ایجاد کنن که بتونی از اعضای بدنت استفاده کنن برای بیماراشون. قلمم داشت می‌ایستاد.

● ما را مثل عقرب بار آورده‌اند؛ مثل عقرب! ما که مردم صبح که سر از بالین ورمی داریم تا شب که سر مرگ‌مان را می‌گذاریم، مدام همدیگر را می‌گزیم ...! محمود دولت‌آبادی.

(امیرحسین)

## دنیای علم

کشف باورنکردنی فسیل تقریباً سالم جنین دایناسور در تخم

یکی از عجیب‌ترین و باورنکردنی‌ترین اکتشافات اخیر دیرینه‌شناسی، کشف یک جنین ۲۲میلیون ساله از دل تخم دایناسور فسیل شده است. این جنین ۲۲میلیون ساله به نام بچه یینگلیانگ (Baby Yingliang) در صخره‌های کرتاسه گاژو در جنوب چین کشف شد و مشخص شد که تخم متعلق به یک اویرایتوروسور بوده است. ۲۲میلیون سال قدمت دارد. دلیل بیرون نیامدن این جنین را می‌توان با فرایند جوجه‌کشی پرندگان امروزی توضیح داد. این جنین هم‌اکنون وضعیتی را نشان می‌دهد که در زمان زنده بودن خود داشت. هیچ کدام از استخوان‌های این جنین از موقعیت اصلی خود حرکت نمی‌کنند. طول این تخم دایناسور ۱۷سانتی‌متر است. تصور می‌شود که طول خود موجود از سر تا دم ۲۷سانتی متر بوده است. جالب این جا است که حتی تکه‌هایی از پوسته بیرونی تخم سالم باقی مانده است. تخم دایناسورها پوسته بیرونی بسیار سختی داشت که فسیل‌دار بود. بین تخم پرندگان امروزی، تخم شترمرغ بیشترین شباهت را به تخم دایناسورها دارد. این تخم دایناسور در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی به همراه سایر تخم‌های دایناسور کشف شده اما باز نشد و مورد تجزیه و تحلیل قرار نگرفت. این تخم‌ها از زمان اکتشاف کنار گذاشته شده بودند و حتی تقریباً فراموش شده بودند. پروفیسور لیدا ژینگ (Lida Xing) از دانشگاه علوم زمین چین در این باره می‌گوید: «آقای لینگ لیو، این جنین دایناسور را به عنوان تخم مشکوک فسیل شده در حدود سال ۲۰۰۰ کشف کرد.»

در سال ۲۰۱۰ در طول ساخت موزه تاریخ طبیعت سنگ Yingliang. کارمندان موزه این نمونه‌ها را کشف کردند. این نمونه‌ها به عنوان تخم دایناسور فسیل شده شناسایی شدند و در نهایت جنین پنهان شده در داخل تخم کشف شد. جالب اینجاست که امکان دارد چندین فسیل حفظ شده دیگر همانند این تخم دایناسور در آرشیسو موزه‌های مختلف وجود داشته باشد؛ اما ما از وجود آن‌ها اطلاع نداشته باشیم. همه کارشناسان این حوزه معتقدند که این جنین تا به امروز زیباترین جنین دایناسور کشف شده است. کشف ارتباط بین دایناسورها و حیوانات امروزی، یک مسئله بسیار مهم و حیاتی است؛ زیرا ممکن است به پیدا کردن حلقه گمشده در نظریه تکامل کمک کند.»

این جنین ۲۲میلیون ساله در داخل تخم دایناسور فسیل شده اکنون در موزه تاریخ طبیعت سنگ Yingliang در چین به نمایش گذاشته شده است.

## دریچه



Marilyna Nardi